



مهدی انصاری

پژوهشگر تاریخ جنگ

جنگ تمحییلی در واقع پیامد یک سلسله ناکامی ها و شکست های استکبار جهانی به رهبری امریکا در مواجهه با انقلاب اسلامی بود.

در چنان شرایطی حزب بعث عراق به دلیل کینه های تاریخی و تعارضات سیاسی و نظامی با ایران، مستعدترین اهرمی بود که می توانست مقابل انقلاب اسلامی علم شود و سد محکمی را در جهت ممانعت از گسترش و صدور آن ایجاد نماید. از نظر عراق، ایران از سویی در زمینه اوضاع داخلی دچار تشنت واز هم پاشیدگی بود و در همین حال از نظر شرایط بین المللی نیز در وضعیت به غایت نامساعدی قرار داشت که ضمن آن استکبار جهانی پشت علیه انقلاب اسلامی تحریک و بسیج شده بود. بنابراین تعادل سیاسی نظامی قیما بین ایران و عراق به نفع عراق به هم خورده بود، آن هم به اندازه ای که عراق خود را قادر می دید از این تغییر موازنه، برای تحقق اهداف و مطامع دیرین خود استفاده کند. با توجه به همسویی این تحرک با آن چه مدنظر قدرت های بزرگ بود، عراق آمیدواری فراوانی برای موفقیت داشت. برای همین این کشور طی دوره ای به کسب آمادگی پرداخت تا به عنوان عامل مستقیم قدرت های استکباری در مقابله با انقلاب اسلامی وارد عمل شود. تحولات رهبری در حزب بعث و حذف حسن البکر و جایگزینی صدام حسین این روند را قطعی کرد و به آن شدت بخشی. سرانجام در تاریخ ۳۱ شهریور ماه سال ۵۹، طی یک تهاجم سراسری و گسترده، وارد سرزمین های ایران اسلامی شد.

#### زمین سازی

از اوایل سال ۱۳۵۸ و با روی کار آمدن صدام، اقداماتی آشکار علیه جمهوری اسلامی آغاز گردید که به منظور کسب آمادگی و ایجاد زمینه لازم برای مبادرت به یک جنگ گسترده علیه ایران صورت می گرفت. در این چهار چوب علاوه بر ایجاد تحرکاتی در مرزهای خود با ایران، اقدامات گسترده ای را در داخل ایران آغاز کرد که می توان به پشتیبانی و تحریک نیروهای ضد انقلاب داخلی، بویژه در کردستان و خوزستان اشاره کرد.

با گذشت زمان، مواضع خصمانه عراق نسبت به جمهوری اسلامی صریح تر گردید. صدام حسین برای اولین بار در تاریخ ۵۹/۷/۱۸ یعنی همزمان با قطع ارتباط ایران و امریکا، اعلام داشت که ایران باید از سر حوزه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی خارج شود و چندی بعد نیز در یک سخنرانی تأکید کرد که عراق آماده است اختلاف خود با ایران را با زور حل کند.

در پی این مواضع گیری ها، تحرکات مرزی ارتش عراق نیز شدت گرفت. از جمله:

- تقویت پاسگاه های مرزی
- حفر سنگر و ایجاد مواضع در نوار مرزی
- فعالیت های مهندسی و احداث

جاده های نظامی

تحرکات و جابه جایی نیرو

استقرار توپخانه در نزدیکی مرز

تقویت نیرو در برخی مناطق مرزی

انجام شناسایی و مگسبرداری هوایی

تجاوزات هوایی، برپاندازی های سبک و سنگین، و به داخل خاک ایران و ایجاد درگیری های مرزی و اعزام گروه های گشتی

تقویت و افزایش توان و سازمان رزم ارتش عراق نیز از جمله دیگر اقدامات رژیم بعث بود و از آنجایی که منافع استکبار جهانی با این اقدامات هماهنگی داشت، با انعقاد قراردادهای نظامی، ارتش عراق در مدت بسیار کوتاهی به سلاح های جدید و پیشرفته مجهز شد. پیامد آن سازمان رزم ارتش عراق به طور گسترده دستخوش تغییر و تحول گردید. افزایش دوره های آموزشی و ارتقای کیفیت و کمیت نیرو و در نتیجه تقویت کادر نظامی و فراخوانی و افزایش نیرو از جمله دستاوردهای تحولات فوق است. به طوری که در مدت کمی نیروی زمینی این کشور از ۱۷۵ هزار نفر (کادر) به ۱۹۵ تا ۲۲۰ هزار نفر افزایش و تعداد یگان ها نیز گسترش یافت.

حجم نیروی زمینی ارتش عراق به عنوان اهرم اصلی تجاوز، هنگام شروع جنگ، ۱۲ لشکر متشکل از ۵ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه و ۵ لشکر پیاده و همچنین علاوه بر یگان های گارد مرزی ۱۵، ۲۰ تیپ مستقل شامل ۱۰ تیپ پیاده، ۱ تیپ مکانیزه، ۳ تیپ نیروی مخصوص و تیپ ۱ گادر جمهوری بود که در قالب ۳ سپاه سازمان یافت. طبق یک برآورد تخمینی، استعداد فوق با ۶۰۰ تا ۸۰۰ قیضه توپ، ۵۲۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قیضه توپ ضد هوایی و مجهز حدود ۳۶۶ فروند هواپیمای جنگنده و ۲۰۰ هلی کوپتر پشتیبانی می گردید. نیروی هوایی عراق متشکل از ۲۰ اسکادران هواپیمای جنگنده رهگیر و بمب افکن بود که در ۹ پایگاه هوایی موجود این کشور مستقر شده بود. همچنین چند تیپ موشکی زمین به هوا در مناطق بسیار حساس و حیاتی استقرار

#### جداسازی استان خوزستان

در مرحله ای بالاتر و در افق وسیع تر، تجزیه ایران و جداسازی استان خوزستان، مهم ترین هدفی بود که عراقی ها با انگیزه های نظامی، سیاسی و اقتصادی بران اصرار ورزیدند.

صدام همزمان با آمادگی در مرز و ایجاد درگیری های متوالی و فراهم کردن شرایط سیاسی، با طرح بهانه های، سرانجام در تاریخ ۵۹/۶/۲۰ در جمع وزرای خارجه کشورهای عربی، ضمن درخواست کمک و یاری از آنان «خاکمان را از ایران باز پس می گیریم.» و در تاریخ ۵۹/۶/۲۷ روز قبل از آغاز رسمی جنگ، قرارداد تعیین حدود مرزی دولتین ایران و عراق را که به نام قرارداد مرزهای الجزایر معروف است، ملغی کرد و نهایتاً ارتش عراق در روز ۳ شهریور ۱۳۵۹ تهاجم گسترده خود را از هوا، دریا و زمین به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد.

#### اهداف و استراتژی نظامی عراق

در مجموع اهداف و انگیزه های دشمن را در موارد زیر می توان دسته بندی کرد:

- حاکمیت بر اروند و حل و فصل دعوای مرزی
- جداسازی استان خوزستان.
- تضعیف منجر به سقوط نظام جمهوری اسلامی.

قبل از پرداختن به هر یک از اهداف یاد شده در متن است توجه شود که اولین هدف، هدف قطعی و فوری عراق و هدف دوم، هدف ایده آل عراق بوده است، اما هدف سوم، علاوه بر این که مورد نظر عراق بود، از تبعات اهداف اول و دوم شمرده می شد و هدف اصلی غرب را از درگیر کردن دو کشور شکل می داد. اشتراک در این هدف، پشتوانه اصلی و محور جنگ افروزی عراق به شمار می رفت و تضمین پیروزی آن محسوب می گردید.

#### حاکمیت بر اروند و حل دعوای مرزی

جنگ سریع را طراحان عراق برای دستیابی به اهداف خود برگزیدند. اساساً گزینش الگوی استراتژی، براساس اطلاعات و اهداف جنگ است. عراقی ها نیز با توجه به موارد زیر اقدام به انتخاب و تعیین این استراتژی نمودند:

۱- اوضاع داخلی ایران: عراق به اطلاعات نسبتاً دقیقی از اوضاع اقتصادی - سیاسی و درگیری های سیاسی گروه های مخالف در ایران دست یافته و توانسته بود با استفاده از دستگاه های جاسوسی غرب، اطلاعات زیادی در مورد وضعیت نیروهای مسلح ایران کسب نماید. استراتژیست های عراقی با توجه به اطلاعات و اخبار موجود متقاعد شده بودند که ارتش جمهوری اسلامی، توان لازم را برای ورود به یک جنگ گسترده ندارد و همچنین تعارضات سیاسی مسئولان مانع از حضور یکپارچه مردمی خواهد شد. بنابراین نیروی قابل توجه و منظمی وجود نخواهد داشت تا در مقابل قوای عراق قد علم کند.

- زمینه سازی، جذب و تسلیح بخشی از ضد انقلابیون در خوزستان و جبهه های میانی و شمالی، حرکت سریع ارتش عراق را در اندیشه طراحان جنگی این کشور تسهیل می نمود.

در مجموع همه توان مادی و غیرمادی و برنامه ریزی ها و تمهیدات به عمل آمده در عراق به منظور دستیابی به اهدافی در نظر گرفته شده بود که می بایست طی چند روز محقق گردد. شواهد موجود و حوادث بعدی نشان داد که در استراتژی نظامی یاد شده، جای هیچ عاملی که منجر به کندی حرکت نظامی شود، در نظر گرفته نشده بود. براین اساس بروز هر عاملی در حرکت که منجر به طولانی شدن جنگ می گردید، خود به خود شکست استراتژی اولیه را به همراه داشت.

این یک نکته بسیار قابل اهمیت است که با توجه به ظاهر موجود، عراق ظرفیت لازم را برای تحقق اهداف مورد نظر در استراتژی مذکور نداشته است. بنابراین با وجود برتری عراق در زمان مورد بحث، ضعف اساسی آن، در عدم تطابق هدف بزرگ این دولت با پتانسیل و قدرت ملی، با قووه باال فعل آن بوده است. هر چند قدرت های بزرگ در جهت رفع این نقیصه از هیچ کمک ی روگذار نکردند.

#### طراحی مانور

متناسب با استراتژی یک جنگ سریع،

تاکتیک عمل در قالب محورهای عملیاتی

مورد محاسبه بوده است. براین اساس، دشمن اهداف مهمی را در این منطقه دنبال می کرد. چنانچه احتمال پیشروی ارتش عراق به باختران به عنوان یک فرض ضعیف مورد نظر واقع شود، قدر مسلم هدف اصلی دشمن در این محور دستیابی به خط دفاعی مطمئن جهت حفاظت از بغداد در قبال واکنش احتمالی جمهوری اسلامی بوده است. بنابراین طراحان نظامی عراق برای دو هدف مهم، یکی عمق پیشدین به نوار مرزی و تسلط بر نقاط حساس و دیگری حضوری قدرتمند در جهت تأمین بغداد، ناگزیر به صرف بخشی از توان ارتش خود در جبهه میانی بودند.

در منطقه سوم یعنی جبهه شمالی، دشمن با شوط اشکال اساسی روبه رو بود که در مجموع او را داشت تا بخشی دیگر هر چند اندک از نیروهای خود را صرف این جبهه سازد. ضرورت تأمین کرکوک یکی از دو معضل مورد اشاره است این شهر به خاطر موقعیت جغرافیایی و داشتن مراکز منابع و تأسیسات مهم نفتی حائز اهمیت است. بویژه پیش بینی عواقب ناشی از آغاز جنگ و

عراق به اطلاعات نسبتاً دقیقی از اوضاع اقتصادی - سیاسی و درگیری های سیاسی گروه های مخالف در ایران دست یافته و توانسته بود با استفاده از دستگاه های جاسوسی غرب، اطلاعات زیادی در مورد وضعیت نیروهای مسلح ایران کسب نماید.

استراتژیست های عراقی با توجه به اطلاعات و اخبار موجود متقاعد شده بودند که ارتش جمهوری اسلامی، توان لازم را برای ورود به یک جنگ گسترده ندارد و همچنین تعارضات سیاسی مسئولان مانع از حضور یکپارچه مردمی خواهد شد. بنابراین نیروی قابل توجه و منظمی وجود نخواهد داشت تا در مقابل قوای عراق قد علم کند

و گسترش سازمان رزم ارتش مشخص می شود. ارتش عراق متناسب با اهداف و بررسی و تحلیل عواملی چون موقعیت جغرافیایی نوار مرزی و اولویت بندی اهداف ارضی، مانور گسترده ای را تدارک دیده بود. در گام نهمی مرز ایران و عراق در طراحی مانور به بخش های مشخص تقسیم شده است که عبارتند از:

- جبهه جنوب: حدفاصل خرمشهر و آبادان تا دهلران
  - جبهه میانی: دهلران تا جنوب دربندیخان
  - جبهه شمالی: دربندیخان تا شوشیه
- جبهه جنوب اهمیت بسیاری در استراتژی نظامی عراق داشت و به عنوان تلاش اصلی قوای بعث به شمار می رفت. در این بخش، اهداف مهمی چون دزفول، اندیمشک، اهواز، سوسنگرد، خرمشهر و آبادان قرار داشت.
- جبهه میانی شامل منطقه ای با وسعت استان های ایلام و باختران بود. این جبهه و بویژه محور قصر شیرین سریل ذهاب جایگاه خاصی را به لحاظ موقعیت جغرافیایی و ترکیب زمین در تفکر نظامی کلاسیک داراست، چراکه همواره به عنوان معبر و برعکس معبر ارتش ایران به سمت بغداد

#### سده شنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۰

#### سال بیست و هفتم

#### شماره ۷۷۳۰

سراسر مرز صف آرایی کردند.

#### جبهه جنوب

بر اساس طرح مانور ارتش بعث، هدف اصلی عملیات که جبهه جنوب بود، به عهده سپاه سوم عراق گذاشته شد. این سپاه که لشکرهای ۱ و ۵ مکانیزه و لشکر ۹ زرهی را در اختیار داشت، برای شروع جنگ لشکر ۳ و ۱۰ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص را که قبلاً در سازمان نیروی دریایی عراق بود، تحت امر خود گرفت.

محورهای پیش بینی شده عملیات از سوی طراحان جنگ برای تهاجم یک ارتش کلاسیک، بر راه ها و معابر وصولی قرار داشت که به طور طبیعی روش خاصی از تهاجم را دیکته می کرد. از مشخصات بارز آن، استفاده از جاده به منظور تردد وسایل زرهی و پشتیبانی از تگ بود. بر همین اساس، سپاه سوم عراق نیز متناسب با معابر موجود در جبهه های جنوب، مانور خود را اینگونه طراحی کرد.

#### محور تنومه شلمچه، خرمشهر

هدف اصلی دشمن در این محور ضمن محاصره شهر خرمشهر، عبور از رودخانه کارون و محاصره شهر آبادان و پاکسازی منطقه وسیعی از جنوب اهواز، خود را به اهواز رسانده، با لشکر ۹ زرهی الحاق نماید.

#### محور عمار، چراه، بستان، سوسنگرد

هدف اصلی در این محور حرکت به سمت اهواز بود. دو محور مذکور ابتدا به ۵ لشکر ۵ مکانیزه و گادار شد تا حداکثر به ۴ تیپ ضمن محاصره خرمشهر، عبور از کارون و محاصره شهر آبادان و پاکسازی منطقه وسیعی از جنوب اهواز، خود را به اهواز رسانده، با لشکر ۹ زرهی الحاق نماید.

#### محور قه، شوش، درفول

پیشروی در این محور به دلیل گستردگی زمین و عمق اهداف، به دولشکر ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی و گادار شد که هر دومی بایست از معابر قه و اطراف آن وارد عمل شوند. تسلط بر نقاط حساس و دیگری حضوری قدرتمند در جهت تأمین بغداد، ناگزیر به صرف بخشی از توان ارتش خود در جبهه میانی بودند.

در منطقه سوم یعنی جبهه شمالی، دشمن با شوط اشکال اساسی روبه رو بود که در مجموع او را داشت تا بخشی دیگر هر چند اندک از نیروهای خود را صرف این جبهه سازد. ضرورت تأمین کرکوک یکی از دو معضل مورد اشاره است این شهر به خاطر موقعیت جغرافیایی و داشتن مراکز منابع و تأسیسات مهم نفتی حائز اهمیت است. بویژه پیش بینی عواقب ناشی از آغاز جنگ و

#### جبهه میانی

سپاه دوم عراق، فرماندهی و هدایت عملیات را در این جبهه به عهده داشت. براساس مأموریت و اهمیت محور، لشکرهای ۱۲ و ۶ زرهی، ۸۰۴ پیاده و همچنین چند تیپ مستقل در اختیار این سپاه قرار گرفت. در این جبهه نیز متناسب با روح کلاسیک حاکم بر ارتش مچهر عراق، محورهای عملیاتی مشخص شد و برای هر یک اهدافی تعیین گردید. در این جبهه هدف عمده، تصرف بخش هایی از خاک جمهوری اسلامی بود تا امکان هرگونه واکنش از سوی رزمندگان اسلام به سمت بغداد از میان برود و با تأمین بغداد، اهداف اصلی در جنوب بهتر تأمین شود.

برای تأمین این منظور، تنگه و گردنه باتاق در عمق ۵۰ کیلومتری خاک جمهوری اسلامی به عنوان نقطه ای کلیدی و سبق الجیشی در نظر گرفته شده بود. طبق این طرح فعالیت دشمن از شمال تا بل دواب شامل ارتفاعات دلاهو و شاه نشین و از سمت جنوب تا ارتفاعات مهم کاسه گران گسترش می یافت. براین اساس اهداف ذیل در دستور کار یگان های سپاه دوم قرار گرفت.

- محور قصر شیرین، سر بل، ذهاب، باتاق
- محور مندلی، سومار، نفت، شهر
- محور مهران

#### جبهه شمالی

مسئولیت این جبهه برعهده سپاه یکم عراق بود که دولشکر ۷ و ۱۱ پیاده را تحت امر خود داشت. این سپاه مأموریت داشت ضمن حفاظت از منطقه و کنترل معارضین عراقی، نیروهای ضد انقلاب را در وارد ساختن ضربه به جمهوری اسلامی ایران تجهیز، تقویت و هدایت کند و در صورت لزوم نیز برخی از ارتفاعات را به اشغال درآورد. یگان های تحت امر سپاه یکم، با وجود اهداف محوله، عملاً عراق به احتیاط نیروی زمینی ارتش عراق را بر عهده داشت.

#### سده شنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۰

#### سال بیست و هفتم

#### شماره ۷۷۳۰

به بهانه فرار سیدن هفته دفاع مقدس

جنگ و دفاع؛ دو خط متنافر؟!



مهدی عسگری

نویسنده

انسان همواره در طول حیات خود در معرض خطرات و تهدیدات فراوانی قرار دارد که مهم ترین آنها جنگ و تهاجم نظامی است. چرا که شدت خشونت و قساوت همراه با پیامدهای آن شامل ویرانی، آوارگی، مرگ، اسارت و... شرایط ترازیک خود را سالیان سال بر تمامی شئون زندگی تحمیل می کند و حتی لایه های پنهان آن پس از ده ها سال آشکار می شود! با این نگاه جنگ امری منفور و مطرود است و نمی توان در تراز عقل صلح اندیش توجیهی برای آن اقامه کرد. اما واقعیتی است که از آن گریز و گزیری نیست و مادام که افزون خواهی و زیاده طلبی پیوست اندیشه و رفتار انسان است، چتر جنگ و تخاصم نیز گسترده و گشوده می ماند و اینجاست که «دفاع» در برابر مهاجم، مشروعیت و الزام عقلی پیدا می کند. در دفاع، انسان با بُرش ها و ووجهی ستودنی از فضائل انسانی رویه روست که در میانه سخت کارزار، هابویه های پر لهپب نیز مانع از درخشش زیبایی های آن نمی شود! اینجاست که حکمت حکم می کند میان چرایی و چگونگی «جنگ» و «دفاع» به عنوان دو خط متنافر، جدایی و مرز قائل شد. چرایی «جنگ» در محاسبات سیاسی قابل تحلیل است، اما «فاع» در مناسبات انسانی پدیدار می شود و معادله سود و زیان در آن راهی ندارد! برای دفاع از یک سرزمین هنر ایثار و از خودگذشتگی می بایست در حد اعلای خود قرار گیرد تا یک انسان با دست کشیدن از راحت زندگی، جان گران خویش را برای در امان ماندن دیگران سپر بلای حوادث کند. دفاع هشت ساله ملت ایران نیز از این جنس است! شاید قطعه شعری ماندگار از استاد زنده یاد جعفر امین پور که دریایی از معرفت را در خود دارد، به تنهایی معرف و گویای جهت گیری مردان دفاع در آن روزگار سخت است! او می گوید:

شهیدی که بر خاک می خفت

سرانگشت در خون خود می زد و می نوشت، دو سه حرف

بر سنگ:

«به امید پیروزی واقعی نه در جنگ،

که بر جنگ!»

من بر این باورم که تقدس دفاع هشت ساله را باید در متن اندیشه و رفتار شهیدان یافت! آنجا که قبل از «انسان»، حفظ «انسانیت» در مدار اصلی توجه آنان قرار دارد و در نگاهشان ارزش خاک و سرزمین مشروط به پایداری و حوه انسانی است. همین خصیصه در منش شهیدان مرزها را فرومی شکنند و آنان را حتی در تأمین آرامش، آسایش و امنیت مخالف نیز مصمم می کنند! و این هنر شگرف از هر انسانی بر نمی آید! راز تقدس دفاع هشت ساله ملت بزرگ ایران در این بود که در صحنه های پیکار و دفاع بواسطه حضور مردانی پاک باخته و فداکار، روح عدالت، صداقت و معرفت در آن جاری شد و تبلور رفتارهایی برآمده از حقیقت طلبی مردان دفاع در سخت ترین شرایط گویای این واقعیت است! نقل است در خلال عملیات خیبر، به شهید مهدی باکری خبر داده شد که برادرش حمید در شرق دجله به فیض شهادت نائل آمده و می خواهند برای بازگرداندن پیکر او گروهی را اعزام نمایند، اما وی ممانعت می کند و از پشت بی سیم این جمله را به زبان می آورد:

«همه آنها برادران من هستند، اگر توانستید همه را برگردانید، حمید را هم بیاورید! اینجا ما می جنگیم که تبعیض نباشد!»

پس باید حق بدهیم که گاهی نسل امروز ما را در تقدس بخشی به دفاع هشت ساله به چالش بکشد! چون شهیدانش را درست و دقیق معرفی نکرده ایم! شهیدان را به فراخور نیاز و اقتضات خود گزینش کرده ایم! در حالی که هنر بزرگ شهیدان این بود که مرز «انسانیت» را تا بی نهایت فراخ و گسترده کرده اند و آنان به جامعه انسانی تعلق دارند، نه جریان و حزب و حتی یک حکومت و خانواده!

